

خلاصه

اگر هیچ روزنامه‌ای نبود، اگر تحقیقاتی از سوی مجلس انجام نشده بود، اگر کمیسیون اصل نودی نبود، من فکر می‌کنم که هنوز در زندان بودم و یا مرده بودم. این‌ها موجب شدند که من فراموش نشوم. ... اگر کسی نام مرا در روزنامه‌ها ندیده بود، به خاطر سخن مخالفی که گفته بودم امروز مطمئناً زنده نبودم. اکنون دانشجویانی در زندان هستند که کسی نامی از آنها نشنیده است. این دانشجویان در گوشه‌ای می‌پوسند و در این اندیشه هستند که کسی نمی‌داند آنها در کجا هستند. و ما از کجا بدانیم که آنها کجایند؟ (۱)
حسین ت. دانشجو و زندانی سابق

کسی تعداد کسانی که به خاطر بیان مسالمت آمیز دیدگاه‌هایشان در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های مخفی ایران محبوس هستند را نمی‌داند. طی چهار سال گذشته که پنجره آزادی بیان در ایران بسته شده است، آزار و شکنجه دگراندیشی در سلول‌های انفرادی زندان اوین و بازداشتگاه‌های سری نیز افزایش یافته است.

انتخاب رئیس جمهور محمد خاتمی که در سال ۱۹۹۷ با شعار انتخاباتی حکومت قانون و جامعه مدنی به پیروزی رسید، شکوفایی روزنامه‌ها و نشریات مستقلی را در ایران بدنبال داشت. پس از آن یک گروه بزرگ از نمایندگان اصلاح طلب در سال ۲۰۰۰ وارد مجلس شده و متعهد شدند قوانین جدیدی که چالشگر وضع موجود باشد را تنظیم و طرح کنند. روشنفکران، روزنامه نگاران و نویسندگان نیز به نوبه خود حساس‌ترین موضوعات جامعه ایران را بطور علنی به بحث گذاردند. اما قوه قضائیه و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی موازی دولت ایران در واکنش به این تحولات، تلاش کرده اند این صداها را خاموش نمایند.

در اثر مبارزات دفتر رهبری و قوه قضائیه که از آوریل سال ۲۰۰۰ برای خاموش کردن دگراندیشی‌های فزاینده سیاسی آغاز شد، بیشتر روزنامه‌های مستقل ایران تعطیل شده‌اند. (۲) سعید مرتضوی قاضی وقت دادگاه علنی شعبه ۱۴۱۰ که رهبری سال‌های اولیه این مبارزات را بر عهده داشت، حمله خود را عمدتاً معطوف روزنامه‌ها و مجلات منتقدی نمود که خواستار تغییر و تحول بودند. وی مدتی بعد به سمت دادستان کل تهران ارتقا یافت و همچنان در این پست به

فعالیت مشغول است.

این گزارش بیانگر ارتباط مستقیمی می‌باشد که بین تعطیلی مطبوعات (که از سال ۲۰۰۰ آغاز شد) از یکسو و دستگیری‌های سیستماتیک روزنامه نگاران، نویسندگان و روشنفکران در سال‌های پس از آن و نیز نحوه رفتار با زندانیان سیاسی از سوی دیگر وجود دارد. بدنبال تعطیلی روزنامه‌ها وخامت وضعیت دستگیرشدگان در زندان اوین و بازداشتگاه‌هایی که بطور مخفیانه توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قوه قضائیه اداره می‌شوند نیز به میزان قابل توجهی افزایش یافت. نمایندگان مجلس و وکلای مدافعی که علیه این خشونت‌ها سخن گفته‌اند به دادگاه احضار شده و حتی در برخی موارد زندانی شده‌اند. به جز اینترنت عرصه و فضای چندان برای افشای وضعیت واقعی زندانیان سیاسی ایران باقی نمانده است. تعطیلی روزنامه‌ها نوعی مصونیت برای قضات و نیروهای امنیتی که قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نیز قوانین کیفری ایران را بطور دایم نقض می‌کنند ایجاد کرده است.

مقام‌های ایرانی طی چهار سال گذشته توانسته‌اند با استفاده سیستماتیک از حبس‌های انفرادی طویل‌المدت زندانیان سیاسی، شکنجه‌های جسمی فعالان دانشجوی و محروم نمودن دگراندیشان دستگیر شده از دادرسی عادلانه، مخالفان سیاسی داخل را ساکت کنند. با این وجود طی چند سال گذشته انتقاد از سیاست‌های حکومت در خیابانها، صف‌های خرید، تاکسی‌ها و داخل منازل افزایش یافته است. اما کسانی که انتقادات خود را از طریق روزنامه‌ها، وب‌سایتها، بیانیه‌های عمومی مجلس، و اعتراضاتی که بطور قانونی سازمان یافته بودند بیان کردند ساکت شده‌اند.

محبوسین سیاسی و زندانیان محکوم شده سابق که در این گزارش مورد صاحب‌ه قرار گرفته‌اند از ابتدایی‌ترین جنبه‌های دادرسی عادلانه از جمله حق دسترسی به وکیل، تفهیم رسمی اتهام، آماده نمودن دفاعیه و نیز دادگاه علنی محروم بودند. بسیاری از آنها هفته‌ها و یا ماه‌ها در سلولهای انفرادی کوچک زیرزمینی بدون آن‌که با هیچ فرد دیگری به جز بازجویان خود تماس داشته باشند نگهداشته شدند. برخی از آنها از مراقبت‌های پزشکی نیز محروم بودند. قضات دادگاه‌ها از اعترافات که با استفاده از شکنجه، بدرفتاری و یا تهدید به ادامه انزوا برای صدور حکم زندان، جریمه و یا شلاق زدن استفاده کردند.

این گزارش بطور مستند نشان می‌دهد که قوه قضائیه ایران مرکز نقض حقوق بشر در این کشور است. یک گروه کوچک از قضات که تنها به رهبر پاسخگو هستند، صدای دگراندیشان را خاموش کرده‌اند. آنها ابزارهای گوناگونی را برای سرکوب بکار برده‌اند. برخی از این ابزارها عبارتند از: شبه نظامیان موسوم به لباس شخصی‌ها، سرویس‌های مختلف اطلاعاتی، زندانها و بازداشتگاه‌ها و دادگاه‌ها.

این گزارش حاوی مطالبی درباره نحوه برخورد با محبوسین در برخی از بازداشتگاه‌های ایران می‌باشد. در میان این بازداشتگاه‌ها زندان اوین که بسیاری از زندانیان سیاسی در آن بسر می‌برند، از شناخته‌شده‌ترین می‌باشد. علاوه بر این، زندانیان سابق که در این گزارش مورد مصاحبه قرار گرفتند در اماکن سری متعددی در داخل و اطراف تهران حبس شده بودند. تعداد کل بازداشتگاه‌ها در ایران نامعلوم است اما این گزارش حاوی مطالبی درباره وضعیت زندان ۵۹ و بازداشتگاه توحید می‌باشد. این گزارش همچنین به بررسی یک مرکز بازجویی بنام "اماکن" می‌پردازد که از آن برای تهدید و ارباب فعالان سیاسی، نویسندگان و روزنامه‌نگاران استفاده می‌شود.

شکنجه و بدرفتاری با زندانیان، بستن راه‌های طلب خسارت قانونی و نیز عدم امکان انتشار عمومی موارد آزار و اذیتهای حکومت، مجموعاً فضای خصومت آمیزی علیه حقوق بشر در ایران ایجاد نموده است. گزارش حاضر بر اساس تجربیات زندانیان سیاسی که توسط "سازمان نظارت بر حقوق بشر" مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند تنظیم شده است. همگام با از بین رفتن هر یک از ابزار نظارت و انتشار وضعیت حقوق بشر، خطر شکنجه و بدرفتاری با زندانیان نیز افزایش می‌یابد. مقام‌های ایران با حمله به درصد کوچکی از منتقدین حکومت توانسته‌اند بخش بسیار بزرگتری از روزنامه‌نگاران، فعالان و دانشجویان را ساکت کنند. بسیاری از کسانی که طی سالهای گذشته سخن گفته بودند، اکنون ترجیح می‌دهند که خاموش بمانند. مقام‌های ایرانی این پیام را به بخش اعظم جامعه منتقل کرده‌اند که هزینه انتقاد سیاسی مسالمت‌آمیز بسیار بالا و تحمل‌ناپذیر می‌باشد.

توصیه‌ها

*به دفتر رهبری (۳):

درباره دستگیری و حبس‌های غیرقانونی

کلیه افرادی که هم اکنون به خاطر استفاده مسالمت آمیز از حق آزادی بیان، عقیده و عضویت در انجمنها محبوس شده اند آزاد شوند. استفاده از سلولهای انفرادی ممنوع شود. کلیه محبوسین بتوانند با اعضای خانواده خود ملاقات داشته و خانواده‌ها نیز از محل و وضعیت بستگان محبوس خود مطلع شوند. اختیارات وزارت اطلاعات، قوه قضائیه و نیروهای مسلح (از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های غیرنظامیان لغو شود.

درباره شکنجه و بدرفتاری‌ها

کلیه شکایات مربوط به شکنجه و بدرفتاری هر چه سریعتر مورد بررسی قرار گیرند.

به شکایتهای مربوط به بدرفتاری‌ها به سرعت پاسخ داده شده و نسبت به دسترسی منظم زندانیان به خدمات پزشکی اطمینان حاصل شود. اطمینان حاصل شود که نگهبانان، بازجویان و سایر مقامهای مسئول بازداشتگاه‌ها که در آزار زندانیان دخالت داشته‌اند تحت اقدامات تنبیهی مقتضی و یا تعقیب قانونی قرار گیرند. اطمینان حاصل شود که کلیه بازجویان کارت‌های شناسایی خود را که حاوی اسامی و شماره کدهای آنها است به خود آویزان نموده و نیز کلیه افرادی که در بازجویی‌ها شرکت دارند توسط زندانی دیده شوند.

درباره اجرای عدالت

اطمینان حاصل شود که مطابق قانون اساسی ایران کلیه محبوسین طی ۲۴ ساعت نخست دستگیری خود نزد قاضی برده شده و از اتهام‌های خود مطلع شوند. اطمینان حاصل شود که کلیه محبوسین به مشاورین حقوقی دسترسی داشته و بتوانند وکلای خود را بطور خصوصی ملاقات کنند. اطمینان حاصل شود که کلیه محاکمات بطور علنی و مطابق با اصل ۱۴ ICCPR (کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) انجام شود. اطمینان حاصل شود که ملاقات با قضات تنها در حضور وکیل انجام شود. دستور داده شود که تحقیق مستقلی درباره استفاده از انصار حزب‌الله و بسیج برای دستگیری، جستجو، آزار، ضرب و شتم و بازجویی از افرادی که از حکومت انتقاد می‌کنند انجام شود. قضاتی که دستور داده‌اند از این نیروها برای چنین مقاصدی استفاده شود از سمت خود معلق شوند. عناصر لباس شخصی و شبه نظامی که در حمله علیه فعالان و معترضین اعتراضات نوامبر ۲۰۰۲، ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۳ و سایر حوادث مشابه دست داشتند، تحت تحقیق و تعقیب قرار گیرند. توصیه‌های کمیسیون اصل نود مجلس از جمله تحقیق و تعقیب مقام‌های متهم به نقض قانون پیگیری شود. قوانین کیفری مورد اصلاح قرار گیرد به گونه‌ای که جرایم مبهمی نظیر "اقدام علیه امنیت ملی"، "اغتشاش عمومی" و "همکاری با تشکیلات خارجی" برای تنبیه کسانی که از حق آزادی بیان و عضویت در گروه‌ها استفاده کرده‌اند، بکار گرفته نشود.

*به شورای نگهبان:

کنوانسیون منع شکنجه که دو بار به تصویب مجلس رسیده است تایید شود.

*به اتحادیه اروپا:

از جلسات آتی گفتگو در زمینه حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران برای محک زنی با زمان بندی مشخص جهت خاتمه دادن به اعمالی که در این گزارش آمده استفاده شود.

از مقام های ایران مصرانه خواسته شود که کسانی که هم اکنون به دلیل بیان مسالمت آمیز دیدگاه هایشان دربند هستند رها شوند.
از مقام های ایران مصرانه خواسته شود که توصیه های "گروه کاری حبس های خودسرانه" و نیز "گزارشگر ویژه آزادی عقیده و بیان" که پس از بازدیدهایشان از ایران ارائه کردند مورد پیگیری و اجرا قرار گیرد.

*به گزارشگر ویژه شکنجه و تنبیه های سبعانه و غیرانسانی:

با استناد به دعوتنامه ثابتی که ایران در سال ۲۰۰۲ برای سازمان ملل صادر کرد، تقاضای دیدار فوری از این کشور شود.
بر اساس یافته های "گروه کاری حبس های خودسرانه" و نیز "گزارشگر آزادی عقیده و بیان"، استفاده سیستماتیک از سلولهای انفرادی بعنوان یکی از اشکال شکنجه و تنبیه سبعانه و غیرانسانی به دقت و از نزدیک مورد نظارت قرار گیرد.